

تقدیر فرمانده کل سپاه از قرارگاه خاتم
برای تکمیل طرح آبرسانی غدیر



قدر دان سازندگی

تقدیر فرمانده کل سپاه از قرارگاه خاتم
برای تکمیل طرح آبرسانی غدیر
شماره ۱۴۸ | ۷ شهریور ۱۴۰۱ | ۱۴۴۴ | ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۲ | سال چهاردهم | شماره ۲۵۷۱ | ۸ صفحه | ۲۰۰۰ تومان

وطن امروز

روزنامه صبح ایران

گفت‌وگوی «وطن امروز» با علیرضا قزوه
به بهانه انتشار سفرنامه اربعین

راهپیمایی اربعین مقدمه فتح قدس



شهادت سبط اکبر حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام را تسلیت می‌گوییم

تیتراهای امروز

روسیه اعلام کرد بازگشایی خط لوله «نورد استریم ۱» که قرار بود در پیرو انجام شود برای مدت نامعلومی به تعویق افتاد

پوتین روی اعصاب اروپا

دوپچه‌وله آلمان: از حالا به بعد آلمان‌ها مجبورند به دوش آب سرد عادت کنند!



معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در پاسخ به «وطن امروز» خبر داد

عملیات اجرایی مقابله با ریزگردها

دیوان محاسبات گزارش تفریح بودجه ۴ ماه نخست ۱۴۰۱ را منتشر کرد

کارنامه ۴ ماهه بودجه ۱۴۰۱

«آژانس بهود» تعدادی از مهاجران اوکراینی را به کرانه باختری منتقل می‌کند

اشغالگران اوکراینی

می‌توان استکبار را عقب راند

رهبر انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس مجمع جهانی اهل بیت (ع): توانایی متوقف کردن و عقب راندن استکبار با توجه به ظرفیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دنیای اسلام وجود دارد



عکس: Leader.ir

از «رهبری» تا «ریاست» بر جهان

آمریکا چه نقشی برای خود در نظم جدید جهانی تعریف کرده است؟

مسئله باشد بلکه باید خود را برای کمک‌های بلاعوض میلیارد دلاری به تایوان آماده کند و همه اینها یعنی آمریکا با اینکه نیرویی به مناطق جنگی نمی‌فرستد اما هزینه‌های جنگ را بر عهده می‌گیرد و اتفاقاً این همان مسأله‌ای است که باعث شکست این کشور در ۲ جنگ افغانستان و عراق شد.

نگاهی به محدودیت‌های اقتصادی و نظامی ایالات متحده نشان می‌دهد اتفاقاً سیاست دونالد ترامپ با وجود همه نقض‌ها و معایبی که داشت راه‌حل خوبی برای ایالات متحده برای هموار کردن راه بازگشتش به عرصه قدرت جهانی بود. آمریکا باید مدتی از کار رهبری ریاست جهانی فاصله می‌گرفت و به اقتصاد و حل کردن مسائل داخلی‌اش می‌پرداخت و دوباره با قدرت بیشتر به عرصه مدیریت جهان بازمی‌گشت.

اما مسأله‌ای که شرایط را برای بازگشت آمریکا به عرصه قدرت جهانی بسیار آزرانی کرد، باز هم به منطقه غرب آسیا بازمی‌گردد. تجربه خروج از عراق و افغانستان، باعث ایجاد خلأ قدرت در منطقه شد که به صورت کاملاً طبیعی به قدرت‌های منطقه‌ای اجازه بروز و ظهور داد. چیزی که بشدت باعث ایجاد نگرانی در غرب شده بود، دقیقاً همین مسأله بود: خلأ قدرتی که در نهایت باعث افزایش توان قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و روسیه زیادی این توازن را به نفع خود بر هم بزند اما در نهایت نمی‌تواند جلوی پروسه ظهور قدرت‌های منطقه‌ای چه در منطقه ما و چه در منطقه شرق آسیا یا هر جای دیگر دنیا را بگیرد. افول آمریکا دقیقاً ریشه در همین مسأله دارد: ظهور قدرت‌های منطقه‌ای که نه رهبری و نه ریاست آمریکا بر دنیا را به رسمیت نمی‌شناسند و اتفاقاً قدرت تاب‌آوری در برابر قدرت‌نمایی‌های دولت‌های مستقر در واشنگتن را نیز دارند و اعتقاد دارند قرن آمریکایی مدت‌هاست پایان یافته.

سیاسی‌اشنگتن به نوعی هم در حال پیمودن راه اول است و هم راه دوم. دولت بایدن می‌خواهد رهبر جهان باشد. رهبری که دستورات لازم را به تمام کشورها نهد، از آنها حمایت یا با آنها برخورد می‌کند و در نهایت با همکاری و هماهنگی بین متحدانش، اهداف و منافع خود را در سراسر دنیا پیش می‌برد. از سوی دیگر این رهبری هزینه‌های زیادی برای ایالات متحده دارد که بسیاری از آنها تنها اقتصادی نیست و شامل هزینه‌های نظامی نیز می‌شود. در ماجرای اوکراین، دولت بایدن از سویی دولت او می‌خواست به اوکراین برای مقابله با روسیه کمک کند و کمک‌های میلیارد دلاری زیادی در میان متحدانش به ریاست محض تبدیل می‌شود و در نهایت تا مدت زمانی محدود نمی‌تواند ادامه یابد. زمانی که مردم در پایتخت‌های اروپایی به دلیل عدم توان دولت‌های‌شان در مدیریت بحران انرژی به خیابان‌ها بریزند، دولت‌ها به سمت ملی‌گرایی و حفظ منافع خود در برابر منافع آمریکا می‌روند و بزودی نتایج این سیاست‌ها در انتخابات‌های محلی و حتی انتخابات شورای اروپایی مشخص خواهد شد.

۲- آیا آمریکا توان ادامه مسیر مقابله با قدرت‌های دیگر جهان به صورت سه راه انداختن جنگ نیابتی علیه آنها را دارد؟ ایالات متحده هم‌اینک بیش از ۱۴ میلیارد دلار هزینه جنگ در اوکراین کرده است. دولت بایدن درخواست ۴۳ میلیارد دلار دیگر در این زمینه داشته است تا اطمینان یابد درگیری‌ها در اوکراین به این زودی‌ها پایان نمی‌یابد. دولت بایدن در همین حال قرارداد ۱،۱ میلیارد دلاری فروش تسلیحات به تایوان را در دستور کار خود دارد اما اگر وضعیت شکننده منطقه در دست اوکراین یا جنگ تمام‌عیار ختم شود، دیگر دولت شرق آسیا را مدیریت کند.

سوال مطرح در این شرایط این است: آیا بایدن با

خاورمیانه و شکل‌گیری هسته‌های قدرتمند جدید تروزیستی در منطقه - که براحتی قدرت ایالات متحده را به چالش می‌کشید - نشان داد «قرن آمریکایی» کند. شکست آمریکا در جنگ‌های عراق و افغانستان، روی کار آمدن ترامپ و درگیر شدن ایالات متحده در مشکلات داخلی‌اش، صرف هزینه‌های هنگفت برای مصارف نظامی و رویارویی اقتصادی با چین، توان و قدرت ایالات متحده را برای ادامه قرن آمریکایی از این کشور گرفت. دولت ترامپ به درستی به این مسأله رسیده بود که باید مدتی در انزوا مانده و به سمت قدرتمندسازی ایالات متحده از درون برود؛ شاید بتواند از این طریق راهی برای بازگشت قدرتمندتر به عرصه جهانی نیز پیدا کند. نیمه‌کاره ماندن راه ترامپ و روی کار آمدن بایدن اما نشان داد آمریکا می‌تواند هر از گاهی برای بازگشت به عرصه قدرت عجز نکند. هم‌اینک جهان با ۲ آمریکا روبه‌رو است؛ آمریکایی که می‌خواهد رهبری جهان را در دست داشته باشد اما در تمام حوادث سهیم نباشد - که در دولت دموکرات‌ها این هدف دنبال می‌شود - و آمریکایی با قدرت هم‌زمنی که در تمام عرصه‌ها می‌خواهد ورود به سبک نظامی داشته باشد و در عین حال سیاست تهاجمی خود را نیز در قبال بسیاری از کشورهای دنیا ادامه دهد. در فتره دوم، آمریکا نه رهبر جهان، بلکه رئیس جهان است و حتی متحدان آمریکا نیز باید بدون هیچ ابهام و سوال و جوابی، مسیری که آمریکا می‌خواهد را بپیمایند. دولت ترامپ در تلاش بود به متحدان خود منطقه غرب آسیا، آفریقا و حتی آسیای میانه و قفقاز نگاه دیگری داشته باشد تا آنها را به سمت پذیرش «جامعه جهانی» جدید ایجادشده مبتنی بر قدرت آمریکا هدایت کند. همین تفکر بود که در نهایت به ریشه افول آمریکا در مدیریت جهان تبدیل شد. ۲ دهه جنگ در منطقه

قرن آمریکایی نمی‌توانست با ادامه جنگ سرد تناوم زیادی داشته باشد. فروپاشی شوروی و آغاز تقسیم این کشور به حکومت‌های کوچک‌تر، آمریکا را بار دیگر به عنوان تک ابرقدرت دنیا مطرح کرد. ایالات متحده با شکل‌گیری اتحادیه اروپایی، دیگر ترسی از شکل‌گیری جنگ در اروپا نداشت و توانست در طول این مدت به منطقه غرب آسیا، آفریقا و حتی آسیای میانه و قفقاز نگاه دیگری داشته باشد تا آنها را به سمت پذیرش «جامعه جهانی» جدید ایجادشده مبتنی بر قدرت آمریکا هدایت کند. همین تفکر بود که در نهایت به ریشه افول آمریکا در مدیریت جهان تبدیل شد. ۲ دهه جنگ در منطقه

یادداشت
نمانه اکوان: گذشت ۶ ماه از آغاز جنگ اوکراین، این فرصت را ایجاد کرده است که راجع به چگونگی نگاه آمریکا به خودش و نقشی که در این زمینه برای خود تعریف کرده است، پژوهش‌های بیشتری انجام شود. آغاز نخستین جنگ در اروپا بعد از سال ۱۹۴۵، یعنی پایان جنگ دوم جهانی، آمریکا را در چشم‌اندازی که برای سیاست خارجی‌اش و همچنین نقشش در جهان تعریف کرده بود، دستخوش تغییر و تحولات زیادی کرد.

ایالات متحده با ورود به جنگ دوم جهانی، توانست یکی از فاتحان این جنگ باشد و پس از آن نظم روابط بین‌الملل بر پایه تشکیل سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی سیاسی و اقتصادی دیگر را برپا ساخت. آمریکا بعد از نگاه فاتحانه به دنیا، می‌دانست حالا دیگر به عنوان ابرقدرت بلامنزاع می‌تواند سیاست انزوا را کنار گذاشته و در تحولات بین‌المللی نقش جدی‌تری داشته باشد. دوران سرخوشی بعد از پایان جنگ دوم جهانی با این حال زیاد پایدار نماند و با آغاز جنگ سرد، دنیا به سمت دوقطبی‌ای رفت که می‌توانست قدرت هر ۲ قدرت درگیر در رقابت‌های نوین را با فرسودگی توان‌شان روبه‌رو کند.

قرن آمریکایی نمی‌توانست با ادامه جنگ سرد تناوم زیادی داشته باشد. فروپاشی شوروی و آغاز تقسیم این کشور به حکومت‌های کوچک‌تر، آمریکا را بار دیگر به عنوان تک ابرقدرت دنیا مطرح کرد. ایالات متحده با شکل‌گیری اتحادیه اروپایی، دیگر ترسی از شکل‌گیری جنگ در اروپا نداشت و توانست در طول این مدت به منطقه غرب آسیا، آفریقا و حتی آسیای میانه و قفقاز نگاه دیگری داشته باشد تا آنها را به سمت پذیرش «جامعه جهانی» جدید ایجادشده مبتنی بر قدرت آمریکا هدایت کند. همین تفکر بود که در نهایت به ریشه افول آمریکا در مدیریت جهان تبدیل شد. ۲ دهه جنگ در منطقه

نگاه

راه بایدن چگونه در عراق سد شد؟

استیصال ۴۰ دزد بغداد در برابر مرجعیت شیعه

نوید مؤمن: رئیس‌جمهور آمریکا نسبت به آنچه طی چند روز اخیر در بغداد رخ داده، بسیار نگران است. صدور بیانیه مسئولانه و بسیار مهم حضرت آیت‌الله‌العظمی حائری، مرجع تقلید نزدیک به جریان صدر در یکی از حساس‌ترین برهه‌های حیات عراق به کمک این کشور آمد و جلوی بسط دهشتناک یک بحران داخلی را گرفت. اگرچه مقامات آمریکایی از سال ۲۰۰۳ میلادی تاکنون خلق بحران‌های مزمن در عراق را به‌مثابه یک «عقشه‌آهبردی» در دستور کار خود قرار داده‌اند اما هر بار به دلیل و بهانه‌ای، این نقشه شوم به سرانجام نرسیده است.

جو بایدن سال ۲۰۰۶ میلادی در حالی که به عنوان سناتور ایالت دلاور در کنگره آمریکا حضور داشت، طرح «فدرالیزه کردن عراق» بر اساس قومیت و مذهب را مطرح کرد. ارائه این طرح به اندازه‌ای جنجالی بود که حتی جرج واکر بوش به عنوان اشغال‌کننده عراق نیز در آن زمان جرات نکرد به صورت علنی مانور ویژه‌ای روی آن دهد. با این حال طرح بایدن (فدرالیزه کردن و متعاقباً تجزیه عراق) در اتاق‌های فکر سیاست خارجی آمریکا به دوال مرکزی تصمیم‌سازی و راهبردپردازی در قبال عراق تبدیل شد. بایدن پس از پیروزی اوپاما در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۸، به عنوان معاون رئیس‌جمهور وارد کاخ سفید شد. او در طول مدت حضور خود در مسند معاون رئیس‌جمهور، بارها به عراق سفر کرد. برخی منابع خبری تعداد سفرهای رسمی و غیررسمی بایدن به بغداد در مسند سناتوری و معاونت رئیس‌جمهوری آمریکا را بالغ بر ۳۰ سفر می‌دانند. سفرهایی که جملگی در راستای بررسی میدانی بایدن جهت اجرایی ساختن طرح فدرالیزه کردن عراق مورد تفسیر قرار گرفته است.

اوج بسازی خونین معاون وقت رئیس‌جمهور آمریکا و همراهانش در قبال عراق، خلق تروریسم تکفیری داعش در عراق و سوریه بود. سال ۲۰۱۳ میلادی، پس از تالسیس داعش توسط سرویس‌های امنیتی آمریکا، عربستان و رژیم اشغالگر قدس، قرار بسود حکومت‌های عراق و سوریه در عرض ۶ ماه تا یک سال توسط مهرهای تکفیری وابسته به موساد و سازمان سیا سقوط کرده و شامات و بین‌النهرین به زمینی سوخته جهت سلطه بی‌حد و حصر غرب و صهیونیست‌ها در منطقه مبدل شونده. پس از آن، بایدن قصد داشت نهایتاً تا سال ۲۰۱۶ میلادی طرح فدرالیزه کردن عراق و متعاقباً، تجزیه این کشور به «عراق سنی‌نشین»، «عراق شیعه‌نشین» و «عراق کردنشین» را در دستور کار قرار دهد.

ادامه در صفحه ۶

@vatanemrooz

د شبکه‌های اجتماعی

با بالاترین سرعت، بدون قطعی دانلود کنید

حجم نامحدود و پرسرعت با انتخاب اینترنت باکیفیت